

<https://dx.doi.org/10.30510/psi.2022.296173.2026>

Designing a student business school model for developing entrepreneurship in high school

Abstract

The purpose of this research; Discover the main phenomenon and the conditions and factors surrounding it. The research method is qualitative and of the foundation theory type and has examined ten business and entrepreneurial experts who were selected by electric bullet sampling. In the first place, the product of coding was **13** main categories, **91** sub-categories and **6** conditional dimensions. The main and final category of the research was discovered under the title "Entrepreneurship as a balance between human resources and economic resources of business school projects". From Ali's condition; Quality of education in schools, provision of skilled entrepreneurial manpower, financing, macro policies of the education system in the creation and development of business schools and from the categories of basic conditions of education can be acquired to skilled manpower and obstacles in setting up schools He mentioned entrepreneurial work. Then, attention to the real needs in education as an intervening condition was obtained and strategic conditions with the titles; "Changing the Economic and Legal Structure of the Huff Government The policy of integrating public and private education, full employment, modeling the business plans of schools in developed countries, and supporting models and encouragement in business schools" was determined. Outcome conditions that contributed to the development of creative skills in business schools from the participants' point of view.

Keywords: Business, Entrepreneurship Development, Student Business, Foundation Theory

طراحی الگوی مدرسه کسب و کار دانش آموزی جهت توسعه کارآفرینی در مقطع متوسطه

محمد نجاریان کاخکی¹

امیر حسین امیر خانی²

مجید اشرفی³

پرویز سعیدی⁴

تاریخ دریافت :

1401/4/10

تاریخ پذیرش:

چکیده

هدف پژوهش حاضر، طراحی الگوی مدرسه کسب و کار دانش آموزی جهت توسعه کارآفرینی در مقطع متوسطه در استان خراسان رضوی بود. روش تحقیق کیفی و از نوع نظریه بنیاد (زمینه ای) بوده و تعداد ده نفر از متخصصین کسب و کار و کارآفرینی که به صورت نمونه گیری گلوله برقی انتخاب شده بود مورد بررسی قرار داده است. در وهله نخست ماحصل کدگذاریها تعداد 13 مقوله اصلی و 91 مقوله فرعی و 6 بعد شرایطی به دست آمد. مقوله اصلی و نهایی تحقیق با عنوان « کارآفرینی به مثابه توازن بین منابع نیروی انسانی و منابع اقتصادی طرح های مدارس کسب و کار» کشف گردید. از شرایط علی؛ کیفیت آموزشی در مدارس، تامین نیروی انسانی ماهر کارآفرین، تامین منابع مالی، سیاست های کلان نظام آموزش و پرورش در ایجاد و توسعه مدارس کسب و کار و از مقولات شرایط زمینه ای آموزش می توان به نیروی انسانی ماهر و موانع موجود در راه اندازی مدارس کسب و کار کارآفرین اشاره کرد. در ادامه، توجه به نیازهای واقعی در آموزش به عنوان شرط مداخله گر به دست آمد و شرایط راهبردی با عناوین؛ تغییر ساختار اقتصادی و حقوقی دولت هاف سیاست تلفیقی آموزش دولتی و خصوصی، اشتغال کامل، الگوپذیری از برنامه های کسب و کار مدارس کشورهای توسعه یافته و الگوهای حمایتی و تشویق در مدارس کسب و کار» تعیین گردید. آنچه از شرایط پیامدی می توان نام برد، عوامل راه اندازی مهارت های خلاقانه در مدارس کسب و کار از نظر مشارکتکنندگان بود.

کلمات کلیدی: کسب و کار، توسعه کارآفرینی، کسب و کار دانش آموزی، نظریه بنیادی

¹ دانشجوی دکتری گروه کارآفرینی، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران

mo-najarian@yahoo.com

² دانشیار گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)،

amirhosseinamirkhani944@gmail.com

³ استادیار گروه حسابداری، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران

mjd-ashrafi@yahoo.com

⁴ دانشیار گروه حسابداری، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران

dr.parvizsaedi@yahoo.com

کارآفرینی بعنوان موتور توسعه اقتصادی می‌تواند زمینه رشد و توسعه اقتصادی، بهره‌وری، فرضت اشتغال و رفاه اجتماعی گردد. پیامد مطلوب کارآفرینی، افزایش سطح فعالیت کارآفرینانه می باشد، که متعاقب آن نقش نهادها و دولت‌ها فراهم کردن فضای مناسب برای عرضه مستمر کارآفرینان جدید و راه اندازی و رشد سازمانها موفق است. دولت‌ها قوانین و مقررات خاصی برای توسعه کارآفرینی و مشاوره به کارآفرینان و ایجاد زیرساختهای لازم وضع می‌کنند (لندستروم و استیونز¹، 2005).

از طرفی کودکان و نوجوانان در کنار آموزش‌های رسمی که در مدارس می‌آموزند نیازمند کسب مهارت‌های بسیاری در زمینه مهارت‌های رفتاری و شخصیتی، مهارت‌های تحصیلی، مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی می باشند اما در کنار همه این مهارت‌ها، یک مجموعه دیگری از مهارت‌ها وجود دارد که کمتر به آن پرداخته شده است آن هم مهارت‌های کسب و کار و کارآفرینی کودکان و نوجوانان است این مهارت‌ها قابلیت فرزندمان ما را برای انتخاب رشته تحصیلی و آینده شغلی خود تضمین می نماید و تفکر کار و تلاش و کسب درآمد را همراه با روش‌های آن به آنها می آموزد و از ابتدای دوره کودکی و نوجوانی تفکر خلاق و استفاده از فرصت‌های کارآفرینی را به آنها نشان می دهد قطعاً چنین کودکان و نوجوانانی می توانند در آینده از هم قطاران خود در شغل و کسب و کار پیشی بگیرند و با اعتماد بنفس، استقلال و هدفمندی در شغل آینده خود موفق باشند. در این مدارس افرادی تربیت خواهند شد که بتوانند در آینده خود، به سمت تبدیل شدن به موفق‌ترین کارآفرینان و دارندگان کسب‌وکارهای نوآور و خلاق شتاب بگیرند، و البته در این راه، به انتخاب رشته دانشگاهی و مسیر شغلی مناسبی نیز رهنمون گردند.

آموزش کارآفرینی فرایندی است یا مجموعه ای از فعالیت‌هایی است که قصد توانمندسازی افراد، توسعه و رشد دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها و فهم آنها برای کارآفرینی دارد. نظام آموزش و پرورش علاوه بر انتقال میراث فرهنگی و تجارب بشری به نسل جدید، ایجاد تغییرات مطلوب در شناخت‌ها، نگرش‌ها و در نهایت رفتار کودکان، نوجوانان و جوانان است. شناسایی استعدادها و ایجاد شرایط لازم برای شکوفایی آنها در زمینه‌های مختلف و رشد موزون و متعادل انسان در جنبه‌های عقلانی، عاطفی، اجتماعی و جسمانی، مسئولیت‌های سنگینی است که آموزش و پرورش باید به انجام برساند (قاسمی گوابری و همکاران، 1393). امروزه به علت تأثیر اقتصادهای دانش‌محور، دولت‌ها با قدرت از فعالیت‌های آموزشی نوآورانه با هدف افزایش قدرت رقابت آینده کشور حمایت می‌کنند (حیدری فرد و همکاران، 1395). لوتان و همکاران² (2000) نیز بر این مطلب تأکید دارند که غالباً محیط نامناسب آموزشی در برخی از کشورها به سادگی سبب از بین رفتن احتمال توسعه موفق کارآفرینان می‌شود. مدرسه اساس و زیربنای هرگونه توسعه و تغییر در جامعه بشمار می‌رود زیرا با تربیت و شکوفایی استعدادها، خلاقیت، تفکر خلاق و قدرت حل مسئله در دانش‌آموزان، به تدریج جامعه به سمت شکوفایی، بالندگی و توسعه رهنمون می‌شود. امروزه به علت تأثیر اقتصادهای دانش‌محور، همه کشورها تلاش می‌کنند تا

¹ Lundstrom & Stevens

² Luthan et al

آموزش و پرورش خلاق را پرورش دهند. در کشورهای دانش محور، بسیاری از دولت‌ها با قدرت از فعالیت‌های آموزشی نوآورانه با هدف افزایش قدرت رقابت آینده کشور حمایت می‌کنند. بنابراین، نظام آموزشی و بالطبع مدارس جهت نوآر بودن و ایفای نقش کارآمد خود، نیازمند تغییر و تحول در همه ابعاد هستند (شانگ و همکاران¹، 2011).

نتایج مطالعه جعفری و احمدی (1391) بیانگر تأثیرگذاری آموزش عالی در کوتاه مدت و بلندمدت بر رشد اقتصادی بوده است. نتایج نشان داد که آموزش عالی از طریق ده مؤلفه شامل کارآفرینی و نوآوری‌های فناورانه، تشکیل و تقویت سرمایه فکری و انسانی، همکاری‌های بین دانشگاه و صنعت، مدیریت دانش، سیاستگذاری و برنامه ریزی استراتژیک، زیرساخت‌های سرمایه‌ای، زیربنایی و توسعه‌ای، مدیریت اطلاعات، زیرساخت الکترونیکی، تحول فکری، نهادی و ساختاری و نظام حقوقی و قانونی، حامی و مشوق دارای‌های فکری در اقتصاد دانش بنیان بوده است.

باید اذعان نمود که آموزش کارآفرینی می‌تواند اعتماد به نفس و دانش و مهارت فراگیران را افزایش و آنها را برای راه اندازی کسب و کار توانمند سازد. آموزش کارآفرینی به جوانان انگیزه می‌دهد تا درباره‌ی کارآفرینی و نقش مجموعه‌ی کسب و کار در توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی کشور تفکر و تأمل کنند و به فراگیران فرصت می‌دهد تا تغییرات حاصله را در کشور خود تجزیه و تحلیل کنند و خود اشتغالی و ایجاد موسسات را به عنوان گزینه‌ی شغلی خود در نظر بگیرند و مورد توجه قرار دهند (لیتائو و همکاران، 2013).

از آنجا که مسئله اشتغال به مشکلی قابل تأمل تبدیل شده است، صاحب‌نظران برای آن عواملی را بیان کرده‌اند. یکی از عوامل اصلی این مسئله، شکاف بین آموزش‌های موجود و نیازهای واقعی بازار کار است که ارائه آموزش‌های مناسب می‌تواند در پر کردن این شکاف مؤثر باشد. بنابراین داشتن اطلاعات درست و به موقع و کافی برای تصمیم‌گیری شغلی در حیطه‌های شناخت خویشتن (قوت‌ها و ضعف‌ها)، مشاغل موجود در جامعه و چگونگی شرایط ورود به آنها یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است.

خجسته مهر و همکاران (1391) در تحقیقی نتیجه گرفتند برنامه می‌تواند به عنوان یک برنامه تکمیلی باعث بهبود عملکرد دانش آموزان پایه دوم راهنمایی شود. صمدی (1391) در تحقیقی نتیجه گرفت ایجاد و توسعه محیطی که پرورش دهنده خلاقیت و نوآوری باشد، یک گام مهم در تضمین بقای بلندمدت سازمان‌ها و مؤسسات در شرایط کاری ناپایدار است. عدم انجام این کار می‌تواند به معنای مرگ مؤسسه باشد. حبیبی و همکاران (1392) در تحقیقی نتیجه گرفتند رابطه میان جو یادگیری محور و اثربخشی مدرسه معنی دار است و در نهایت، مدلی برای تبیین رابطه دو متغیر ارائه شد. عامری فر و همکاران (1392) در تحقیقی نتیجه گرفتند که رابطه معنی داری بین فرهنگ سازمانی و مولفه‌های فرهنگ سازمانی و اثر بخشی مدرسه وجود دارد. از میان مولفه‌های فرهنگ سازمانی مولفه توجه به تیم و شبکه کاری و مولفه توجه به پیشرفت به گونه معنی داری پیش بینی کننده اثربخشی مدرسه هستند. عزیزی و طاهری (1392) در پژوهشی نتیجه گرفتند داشتن ویژگی‌های مهم

¹ Chang et al

روانشناختی از جمله توفیق طلبی، خطرپذیری، استقلال طلبی و اعتقاد به مرکز کنترل درونی که برای کارآفرین شدن ضروری و مهم است و شرکت در کلاس های کارآفرینی موجب افزایش قصد و تمایل به کارآفرینی شده است.

جووا و لیموس¹ (2010) در پژوهشی نتیجه گرفتند هرچه درجه نوآوری و خلاقیت نهفته در فرهنگ سازمانی بالاتر باشد، توانایی یک دانش آموخته دانشکده بازرگانی در انتقال دانش ضمنی و تمایل به استفاده از آن در وظایف خود بالاتر است. لوکا و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیق خود نتیجه گرفتند برقراری ارتباطات اجتماعی، مهارت های کسب و کار، استقلال، موفقیت طلبی و کنترل درونی را اصلیترین ویژگی های افراد کارآفرین معرفی کردند. ماویتر و گرافولا² (۲۰۱۶) در تحقیقی نتیجه گرفتند داشتن کنترل داخلی، نیاز به موفقیت، ریسک پذیری و آگاهی از کارآفرینی از ابعاد مختلف ویژگیهای شخصیتی است که منجر به توسعه انگیزه کارآفرینی می شود. روی و زامان³ (2018) در پژوهشی نتیجه گرفتند دانشجویانی که قصد کارآفرینی بیشتری نسبت به سایرین دارند از خلاقیت و نوآوری بیشتری برخوردار هستند و نیاز بیشتری به دستیابی به موفقیت و کنترل درونی دارند. بول، کاتالان و مارتین⁴ (2020) تأکید می کند که درک دانش آموزان از شایستگی و خودمختاری در حالی که در بازی های شبیه سازی کسب و کار دخیل است، تأثیر مثبتی بر تعامل شناختی، عاطفی و رفتاری آنها دارد.

اهمیت آموزش کارآفرینی به حدی است که در دوره ای در اروپا، این مهم با منافع دولتی گره خورد و دولت، اهدافی را برای توسعه و پرورش شرکت های رقابتی و شرکت هایی با مشاغل پویا را در برنامه خود لحاظ کرد و حتی چارچوبی برای آموزش و پرورش کارآفرینی به تصویب رساند (لانو و همکاران⁵، 2011). طبق تحقیقات مورنو و همکاران⁶ (2012) آموزش کسب و کار نقش بسیار مهمی در ترویج فرهنگ و روحیه کارآفرینی میان افراد جامعه دارد. با توجه به مطالب گفته شده، طراحی الگوی مدرسه کسب و کار دانش آموزی جهت توسعه کارآفرینی در مقطع متوسطه است.

2. روش تحقیق

روش به کاررفته در این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده های به صورت نظریه بنیاد یا گزند تئوری بوده است در این روش از سه رویکرد کدگذاری باز، محوری و گزینشی استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش خبرگان دانشگاهی در استا خراسان رضوی در سال تحصیلی 1398-1399 بود. با توجه به اینکه در نظریه داده بنیاد طراحی سؤالات دارای حساسیت بالایی است، لذا پژوهشگر با بررسی ادبیات موضوع و راهنمایی اساتید راهنما و مشاور اقدام به طراحی سؤالات مصاحبه نمود. از آنجاکه با افراد متعددی در خصوص موضوع تحقیق مصاحبه انجام می گیرد لذا برای جلوگیری از سوگیری، سؤالات مصاحبه به صورت نیمه ساختاریافته با رویکرد باز و قابل انعطاف تهیه گردید. پیکربندی سؤالات به دو بخش تقسیم

¹ Joia, L.A.; Lemos, B

² Mawhirter, D. A., Garofalo

³ Van Roy, R., Zaman, B

⁴ Buil, I.; Catalán, S.; Martínez, E

⁵ Lanro et al

⁶ MORENO ET AL

گردید که در ابتدا مقدمه‌ای برای تشریح و توضیح اصطلاحات و موضوع تحقیق و بخش دوم شامل بدنه اصلی سؤالات مصاحبه بود که دربرگیرنده ابعاد مختلف کسب و کار دانش‌آموزی بود و عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر و راهبردی و پیامدی در مورد دانش‌آموزان را در برمی‌گرفت.

برای جمع‌آوری داده‌های تحقیق در بخش کیفی تعداد 10 نفر مورد مصاحبه عمیق قرار گرفتند. برای شناسایی افراد موردبررسی از تکنیک گلوله برفی استفاده شد که در این راستا به کمک اساتید و دانشجویان و همکاران در صنوف مختلف، فرایند هماهنگی جهت مصاحبه انجام پذیرفت. جهت اطمینان از رسیدن به اشباع نظری و تأیید کدهای استخراجی، فرایند تحلیل مرحله‌به‌مرحله بعد از اجرای هر مصاحبه انجام پذیرفت که در این تحقیق طی سه مرحله صورت گرفت. در مرحله نخست مهم‌ترین سؤالات و متغیرهای اصلی شناسایی گردید و در وهله دوم برای شناخت زوایای مسئله تحقیق از سؤالات بیشتر استفاده شد و برای مقایسه نتایج تحقیق مصاحبه‌هایی گرفته و موردبررسی و تحلیل قرار گرفت. واحد تحلیل این پژوهش، خبرگان و متخصصان حوزه کسب و کار و کارآفرینی شامل می‌شد که به‌صورت نمونه‌گیری هدفمند با تکنیک گلوله برفی شناسایی و بعد از هماهنگی‌ها مورد مصاحبه قرار گرفتند. در این رابطه تعداد حجم نمونه با توجه به رعایت ملاک حجم نمونه در مطالعات نظریه بنیاد (اشباع نظری) تعداد 10 نمونه اصلی برای بخش کیفی انتخاب گردید. در روش گلوله برفی از آنجاکه افراد موردبررسی ناآشنا و قابل‌دسترسی بودند به کمک هر نمونه که با تحقیق و بررسی شناسایی می‌گردید، هماهنگی لازم برای انتخاب افراد دیگر صورت می‌گرفت. نمونه‌گیری هدفمند از آن جهت انتخاب گردید که افراد مورد مصاحبه جمعی از خبرگان حوزه کارآفرینی و کسب و کار که حاضر باشند در مصاحبه با مشارکت نمایند. در این تحقیق هیچ محدودیتی به‌جز سن افراد که می‌بایستی بالاتر از 18 سال بود در نظر گرفته نشد، لذا افراد با هر جنس، مدرک تحصیلی، محل اقامت و سایر ویژگی‌های فردی و اجتماعی و سیاسی می‌توانستند در مصاحبه مشارکت داشته باشند. از آنجاکه مسئله تحقیق با ابهامات فراوانی همراه بود از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. در این فرایند، به‌تبع هر مصاحبه و طرح سؤالات راهنما توسط محقق برحسب شرایط و پاسخ مشارکت‌کنندگان سؤالات دیگر طرح تا مسئله تحقیق به‌صورت ریشه‌ای و عمیق مورد واکاوی و کنکاش قرار گیرد. میانگین زمان مصاحبه بین 40 تا 80 دقیقه شکل گرفت.

3. یافته‌ها

تعداد ده نفر از خبرگان و کارشناسان مرتبط با مدارس کسب و کار مورد مصاحبه علمی قرار گرفتند و پیرامون مباحث مختلف توسعه کارآفرینی و راه اندازی مدارس کسب و کار به گفتگو نشسته‌اند و ماحصل این گفت‌وگو، کشف عوامل علی و شرایطی به شرح مطالب ارائه شده ذیل می‌باشد.

جدول (1) اطلاعات فردی مشارکت‌کنندگان

مشارکت کنندگان	جنس	تاهل	سن	سمت شغلی	سابقه کار
1	زن	متاهل	26	مدیر هنرستان	2
2	مرد	مجرد	22	مربی فنی و حرفه ای	2
3	مرد	متاهل	29	استاد دانشگاه	5
4	مرد	متاهل	35	مدیر کسب و کار	9
5	زن	متاهل	37	مدیر اجرا و تولید محتوا	4
6	مرد	متاهل	27	مدیر هنرستان	3
7	مرد	متاهل	33	استاد دانشگاه	4
8	زن	متاهل	21	تکنسین کنترل کیفیت	2
9	مرد	متاهل	26	مدیر تولید	4
10	مرد	متاهل	38	معاونت اجرایی	3

1-3- شرایط علی

شرایط علی معمولاً آن دسته از رویدادها و وقایع که بر پدیده‌ها اثر می‌گذارند یا به وقوع و یا توسعه یک پدیده منجر می‌شوند (اشتراوس و کوربین، 1393: 152). در پژوهش حاضر، بعد از تحلیل گزاره‌های مصاحبه‌شوندگان و فرایند کدگذاری اولیه و سپس کدگذاری محوری، مقوله‌های اصلی شرایط علی تحقیق از تجمیع مقوله‌های مشابه فرعی تعیین گردیده که به شرح ذیل فهرست شده است.

در این تحقیق «کیفیت آموزشی در مدارس، تامین نیروی انسانی ماهر کارآفرین، تامین منابع مالی، سیاست‌های کلان نظام آموزش و پرورش در ایجاد و توسعه مدارس کسب و کار» به عنوان شرایط علی پدیده اکتشافی به دست آمده است. آنچه در جدول (3) ملاحظه می‌گردد مفاهیم اولیه و مقولات حاصل از کدگذاری گزاره‌های تحقیق به دست آمده است.

جدول (3) شرایط علی احاطه کننده مدارس کسب و کار در ارتباط با توسعه کارآفرینی

مقوله اصلی	مقوله 2	مقوله 1
------------	---------	---------

شرایط علی	کیفیت آموزشی در مدارس	توجه به استارت‌آپ و متون کارآفرینی مطلوب، فاصله تدریس با تجربه عملی تحصیل، نظام آموزشی ناکارآمد، توجه به استعداد و شخصیت، کسب مجوز آموزشی و تجهیز مدارس
	تامین نیروی انسانی ماهر کارآفرین	توجه به نیروی انسانی مورد نیاز، جذب افراد علاقمند به کار، علاقه در کنار نیاز بازار به شغل مورد نظر، دسترسی به فضای آموزشی، جذب افراد خلاق و ماهر، کشف نیروی با استعداد و کاهش بوروکراسی اداری، بکارگیری نیروهای مهارتی و کارآفرین، تغییر نگاه سنتی به آموزش نیروی انسانی، نیروی انسانی عامل رشد و توسعه، توسعه فرهنگ کار برای جوانان، آموزش‌های عملی و مهارتی و توسعه فرهنگ کارآفرینی و امنیت شغلی نیروی انسانی
	تامین منابع مالی	تقویت بنیه مراکز آموزشی، تحقق و عملیاتی شدن طرح‌های عملی، عملیاتی نمودن طرح‌های علمی، اقتصادی و کارآفرینی، توجه به درآمدهای مستقیم و غیرمستقیم در مدارس، قدرت ریسک‌پذیری با توان مالی، نیازمند به مدیران ریسک‌پذیر با خلق کسب و کارهای نوین، نظام آموزشی متمرکز دولتی و خلا حمایت‌های بخش خصوصی
	سیاست های کلان نظام آموزش و پرورش در ایجاد و توسعه مدارس کسب و کار	نقش موثر نظام‌های آموزشی دولتی و خصوصی، تعامل مدرسه و دانشگاه در کسب و کارها، عمومیت دادن به مدارس کسب و کار، تاکید بر نوآوری‌ها و خلق فرصت‌های کارآفرین در مدارس، حرکت به سمت اشتغال غیر دولتی، آموزش‌های مسئولیت‌پذیری و نوآوری در مدارس، رفع موانع کارآفرینی، توجه به تفاوت‌های فردی و سلیقه مختلف، برنامه‌ریزی آموزشی کسب و کار از ابتدایی تا دوره متوسطه

2-3 شرایط زمینه‌ای (بستر)

در این تحقیق «آموزش نیروی انسانی ماهر و موانع موجود در راه اندازی مدارس کسب و کار کارآفرین» به‌عنوان شرایط زمینه‌ای هست. آنچه در جدول (4) ملاحظه می‌گردد مفاهیم اولیه و مقولات حاصل از کدگذاری گزاره‌های تحقیق به دست آمده است. جدول (4) شرایط زمینه‌ای احاطه‌کننده مدارس کسب و کار در ارتباط با توسعه کارآفرینی

مقوله اصلی	مقوله 2	مقوله 1
شرایط زمینه ای	موانع موجود در راه اندازی مدارس کسب و کار کارآفرین	بی‌اطلاعی مدیران، سیستم اداری با مرکز، محدودیت در پایه و مقطع تحصیلی، کمبود مربی مهارتی، نبود خلاقیت و نبوغ برای ایجاد و هدایت مدارس کسب و کار و فضای محدود برای آموزش کسب و کار
	آموزش نیروی انسانی ماهر	آموزش نیروی‌های با استعداد کارآفرین، نقش نظام آموزش و پرورش در آموزش‌های کارآمد، تطابق ساختار آموزشی با بازار کار صنعتی، توجه به ابزارهای آموزشی کارآمد، توجه به نیازهای فردی، آموزشی و شغلی افراد، توجه به افراد با روحیه خلاقانه

		بالتر، توجه به برنامه های میان مدت و بلندمدت کارآفرینی در آموزش، اهمیت دادن به نیروهای کارآفرین، وجود بازار کار برای مهارت آموزان، آشنایی با فرصت های شغلی جدید و کار عملی
--	--	--

3-3 شرایط مداخله گر

در این پژوهش همان گونه که در جدول (4) ملاحظه می گردد «توجه به نیازهای واقعی در آموزش» به عنوان مقوله اصلی شرایط مداخله ای و مقوله های «خلا نیازهای واقعی، نیاز به مارکتینگ کسب و کار؛ آموزش های بدون نیازسنجی شده نیاز به مهارت ها و آموزش فنی و حرفه ای، عدم تناسب آموزش ها با استعداد ها، بی توجهی به نیازهای منطقه ای و محلی، توجه مراکز آموزشی به نیازها، آزمون های روان شناختی و مهارتی، توجه به برنامه های عزت نفس و آینده نگری، عدم تطابق توانایی های فردی و الزامات شغلی، توجه به سند تحول بنیادین در آموزش های خلاقانه و مهارت ها، تلاش دولت ها در خلق و توسعه کارآفرینی و نیازمندی به تغییر یا اصلاح آموزش های مورد نیاز» به عنوان مقوله های فرعی به دست آمد.

جدول (4) شرایط مداخله ای احاطه کننده مدارس کسب و کار در ارتباط با توسعه کارآفرینی

مقوله اصلی	مقوله 2	مقوله 1
شرایط مداخله ای	توجه به نیازهای واقعی در آموزش	خلا نیازهای واقعی، نیاز به مارکتینگ کسب و کار؛ آموزش های بدون نیازسنجی شده نیاز به مهارت ها و آموزش فنی و حرفه ای، عدم تناسب آموزش ها با استعداد ها، بی توجهی به نیازهای منطقه ای و محلی، توجه مراکز آموزشی به نیازها، آزمون های روان شناختی و مهارتی، توجه به برنامه های عزت نفس و آینده نگری، عدم تطابق توانایی های فردی و الزامات شغلی، توجه به سند تحول بنیادین در آموزش های خلاقانه و مهارت ها، تلاش دولت ها در خلق و توسعه کارآفرینی و نیازمندی به تغییر یا اصلاح آموزش های مورد نیاز

3-4 تعاملات یا شرایط راهبردی

در جدول (5) راهبردها شامل «تغییر ساختار اقتصادی و حقوقی دولت هاف سیاست تلفیقی آموزش دولتی و خصوصی، اشتغال کامل، الگوپذیری از برنامه های کسب و کار مدارس کشورهای توسعه یافته والگوهای حمایتی و تشویق در مدارس کسب و کار» مجموعه تعاملات استحصال شده از جریان پژوهش حاضر هستند.

جدول (5) شرایط راهبردی احاطه کننده مدارس کسب و کار در ارتباط با توسعه کارآفرینی

مقوله اصلی	مقوله 2	مقوله 1
شرایط راهبردی	تغییر ساختار اقتصادی و حقوقی دولت ها	ضعف نظام حقوقی در تامین نیازهای مالی مدارس کارآفرین
	الگوهای حمایتی و تشویق در مدارس کسب و کار	ایجاد انگیزه در بین مدیران، ایجاد رغبت در بین اولیاء، آگاهی دادن به دانش آموزان راجع به آینده شغلی و تحصیلی، تعلیم و تربیت نیروی انسانی به سمت بازار کار، برنامه ریزی در جهت توسعه کسب و کار، اختصاص نیروی انسانی کارآموده

	وحمایت از تجارب رهبران آموزشی کارآفرین
اشتغال کامل	توجه به بازارکار رشته های فنی و مهارتی، برنامه درسی کسب و کار و گرایش افراطی به رشته های اشباع شده
الگوپذیری از برنامه های کسب و کار مدارس کشورهای توسعه یافته	رشدپذیری فرهنگ کار در نظام آموزشی، هماهنگ سازی نیروهای تحت تعلیم با امکانات موجود
سیاست تلفیقی آموزش دولتی و خصوصی	توجه به آموزش های مدرسه محور و دولتی و برنامه ریزی های آموزشی در دانشگاه ها برای تربیت نیروی کارآفرین

3-5 شرایط پیامدی

آنچه در جدول (5) ملاحظه می گردد شرایط پیامدی حاصل از تحلیل یافته های تحقیق می باشد. « عوامل راه اندازی مهارت های خلاقانه در مدارس کسب و کار » به عنوان مقوله اصلی از شرایط پیامدی و زیر مقوله های آن شامل « تقویت مهارت های خلاقانه و قدرت سخنوری در حل مساله، ایجاد نیروهای مولد در خط صنعت، تاسیس مدارس کارآفرینی، پرورش استعدادها، حس اعتماد به نفس و ریسک پذیری، آزادی عمل و آمادگی برای بازار کار، پرورش استعداد ها و مشارکت ورزی و توسعه فردی دانش آموزان» جزء شرایط پیامدی در این تحقیق را تشکیل می دهند.

جدول (5) شرایط پیامدی احاطه کننده مدارس کسب و کار در ارتباط با توسعه کارآفرینی

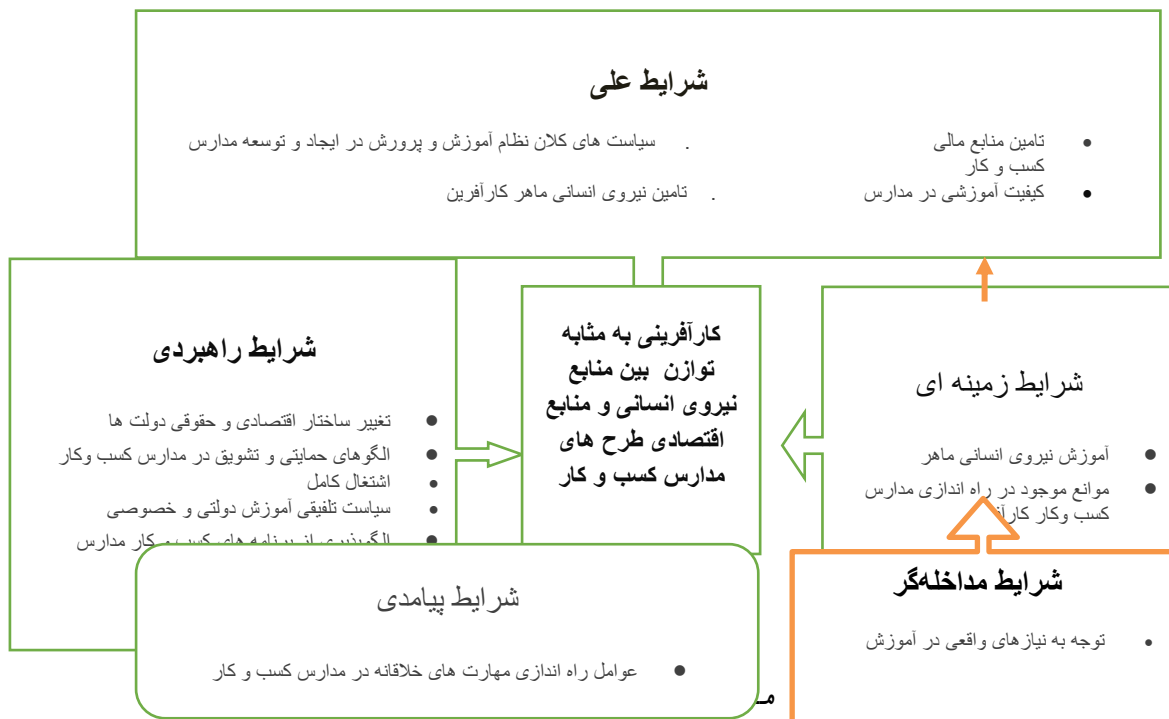
مقوله اصلی	مقوله 2	مقوله 1
شرایط پیامدی	عوامل راه اندازی مهارت های خلاقانه در مدارس کسب و کار	تقویت مهارت های خلاقانه و قدرت سخنوری در حل مساله، ایجاد نیروهای مولد در خط صنعت، تاسیس مدارس کارآفرینی، پرورش استعدادها، حس اعتماد به نفس و ریسک پذیری، آزادی عمل و آمادگی برای بازار کار، پرورش استعداد ها و مشارکت ورزی و توسعه فردی دانش آموزان

در این پژوهش برای کدگذاری انتخابی یا گزینش با به کارگیری از منطق فازی به تعیین نوع رابطه و شدت و جهت رابطه بین ابعاد تبیین شده در کدگذاری محوری پرداخته می شود. هدف اساسی در این تحقیق آن بود که راه اندازی مدارس کسب و کار دانش آموزی تحت چه شرایطی انجام می پذیرد؛ یا به طور کلی موضوع مورد مطالعه تحت چه شرایطی پدید آمده است. همچنین، آن ها بر اساس چه مکانیسم ها و تعامل هایی حرکت نموده اند و نتیجه این راهبردها؛ چه پیامد یا نتایجی را به وجود آورده است. حال باید پرسید که این شرایط و مکانیسم های رفتاری و تعاملی و پیامدها چه پدیده ای را ایجاد نموده است و خروجی نهایی قابل پیش بینی و مورد انتظار در این تحقیق چیست.

آنچه می توان در مورد شکل گیری پدیده ایجاد شده بر اساس شرایط و عوامل تحقیق یادکرد می توان گفت، مصاحبه شونده ها معتقد بودند که شرایط علی « کیفیت آموزشی در مدارس، تامین نیروی انسانی ماهر کارآفرین، تامین منابع مالی، تامین نیروی انسانی ماهر کارآفرین، کیفیت آموزشی در مدارس، سیاست های کلان نظام آموزش و پرورش در ایجاد و توسعه مدارس کسب و کار» در راه اندازی مدارس کسب و کار دانش آموزی نقش مهمی

ایفا می نماید. در اینخصوص نقش عوامل زمینه ای نیز بسیار مهم بوده است. نظام آموزشی از طریق آموزش نیروی انسانی ماهر و رفع موانع موجود در راه اندازی مدارس کسب و کار کارآفرین می تواند خدمت شایانی در تسریع این روند راه اندازی مدارس کسب و کار داشته باشد. هرچند در این رابطه عوامل مداخله گر بسیاری دخیل هستند. یافتن ههای حاصله از گزارش های کیفی نشان داد که توجه به نیازهای واقعی در آموزش از اهم مسائل مداخله گر برای راه اندازی مدارس کسب و کار محسوب می گردد.

حال سوال دیگر مطرح می گردد که نظام های آموزشی و بالاضح آموزش و پرورش از چه راهبردهایی برای توسعه کارآفرینی و ایجاد مدارس کسب و کار استفاده می نماید تا نتیجه بهتر و مطلوب حاصل گردد؟. در این رابطه یافته ها نشان داد که می توان به کمک راهبردهایی همچون تغییر ساختار اقتصادی و حقوقی دولت ها، الگوهای حمایتی و تشویق در مدارس کسب و کار، اشتغال کامل، الگوپذیری از برنامه های کسب و کار مدارس کشورهای توسعه یافته و سیاست تلفیقی آموزش دولتی و خصوصی بتوان به سرعت در مسیر توسعه مدارس کسب و کار و توسعه کارآفرینی در بین دانش آموزان اقدام نمود. ماحصل شرایط علی، زمینه و مداخله گر از طریق بکارگیری راهبردهای مطلوب نظام آموزشی می توان به عوامل راه اندازی مهارت های خلاقانه در مدارس کسب و کار رسید که از شرایط پیامدی پدیده اکتشافی تحقیق می باشد. بنابر آنچه از مقوله های اصلی و فرعی مطرح شده از یافتن ههای کیفی تحقیق میتوان به مقوله اصلی یا گزینشی تحقیق اشاره نمود و اینچنین عنوان کرد که « کارآفرینی به مثابه توازن بین منابع نیروی انسانی و منابع اقتصادی طرح های مدارس کسب و کار » است.



بحث و نتیجه گیری

موضوع تحقیق «طراحی الگوی مدرسه کسب و کار دانش آموزی جهت توسعه کارآفرینی در مقطع متوسطه» بود.

آنچه می‌توان از گزاره‌های مشارکت‌کنندگان مصاحبه‌ای استنباط کرد این بود که «کارآفرینی به مثابه توازن بین منابع نیروی انسانی و منابع اقتصادی طرح‌های مدارس کسب و کار» اتفاق می‌افتد. در این رابطه شرایطی در ایجاد این پدیده نقش مهمی داشته‌اند که خلاصه آن در قالب طرح مفهومی و پارادایمی تحقیق ترسیم گردید. در این مدل پارادایمی که حاصل نتایج مصاحبه عمیق از مجموع تعداد 10 پرسش‌شونده تحقیق؛ تعداد 6 بعد شرایطی (شرایط علی، شرایط زمینه‌ای و مداخله، شرایط راهبردی، شرایط پیامدی و پدیده اصلی) و 13 مقوله اصلی و 91 مقوله فرعی به دست آمد. در این تحقیق کیفی که بر اساس مدل استراوس و کوربین به روش زمینه‌ای نظریه بنیاد اجرا شد؛ بعد از جمع‌آوری داده‌ها و ضبط و ثبت آن در نرم‌افزار کیفی آماری، فرایند کدگذاری سه‌گانه (باز، محوری و گزینشی یا انتخابی) بر روی داده‌ها انجام شد و بعد از ورود تمام مصاحبه‌های تحقیق به داخل نرم‌افزار مکس کیودا (18/2) اولین مرحله تبدیل گزاره‌ها به کد سیستم‌های اولیه یا باز بود و در مرحله بعدی همه کدهای مشابه و نزدیک به هم بر اساس محتوا و معنایی به یک یا چند مقوله تبدیل گردید. در ادامه؛ مرحله دوم کدگذاری محوری انجام شد که تمام مقوله‌های مشترک بر اساس معیار واحد تأثیرگذار و تأثیرپذیر در مجموعه‌های مختلفی طبقه‌بندی گردید و مقوله نهایی اصلی تحقیق (پدیده) که سایر مفاهیم به آن به‌نوعی مرتبط بود تعیین گردید. در فرایند مرحله مقوله‌بندی نیز، تعداد 13 مقوله نهایی به دست آمد.

آنچه در کلیت نتایج بخش اکتشافی تحقیق می‌توان خلاصه نمود، تعیین مقوله محوری و شرایط پیرامونی آن است. مقوله محوری تحقیق (مقوله اصلی): «کارآفرینی به مثابه توازن بین منابع نیروی انسانی و منابع اقتصادی طرح‌های مدارس کسب و کار» بوده است.

از شرایط علی: از مجموع مصاحبه‌های انجام‌شده و مقوله‌بندی آن‌ها چهار عامل «کیفیت آموزشی در مدارس، تامین نیروی انسانی ماهر کارآفرین، تامین منابع مالی، سیاست‌های کلان نظام آموزش و پرورش در ایجاد و توسعه مدارس کسب و کار» به‌عنوان شرایط علی تأثیرگذار استحصال گردید.

از شرایط زمینه‌ای (بستر): «آموزش نیروی انسانی ماهر و موانع موجود در راه اندازی مدارس کسب و کار کارآفرین» به‌عنوان زمینه یا بستر مناسب بر مقوله اکتشافی «کارآفرینی به مثابه توازن بین منابع نیروی انسانی و منابع اقتصادی طرح‌های مدارس کسب و کار» تعیین گردید.

از شرایط راهبردی: می‌توان به شرایط زمینه‌ای که بسترساز مداری کسب و کار دانش‌آموزی و توسعه کارآفرینی بوده است می‌توان به «تغییر ساختار اقتصادی و حقوقی دولت هاف سیاست تلفیقی آموزش دولتی و خصوصی، اشتغال کامل، الگوپذیری از برنامه‌های کسب و کار مدارس کشورهای توسعه‌یافته و الگوهای حمایتی و تشویق در مدارس کسب و کار» اشاره نمود.

از عوامل مداخله‌گر (محیطی): که حاصل از عوامل محیطی «توجه به نیازهای واقعی در آموزش» بستری عام را برای مشارکت‌کنندگان در خصوص پیاده‌سازی مدارس کسب و کار دانش‌آموزی فراهم نموده است.

از شرایط پیامدی پدیده اکتشافی می‌توان به «عوامل راه اندازی مهارت‌های خلاقانه در مدارس کسب و کار» از نظر مشارکت‌کنندگان تاکید نمود.

ابراهیم پور، ح. و شیرافکن، ح. (1395) بررسی نقش تمایل به موفقیت در توسعه حرفه‌ای معلمان آموزش و پرورش شهرستان پارس‌آباد، مطالعات مدیریت و کارآفرینی، 2(2)، 136-142.

احمدپور داریانی (۱۳۸۱) کارآفرینی تعاریف، نظرات و الگو، چاپ چهارم، تهران: انتشارات پردیس

ارومچی، وحدت رقیه (۱۳۹۵): شناسایی و ارائه الگوی مناسب برای مدرسه اثر بخش محل انتشار: کنگره بین المللی علوم انسانی، مطالعات فرهنگی. سال دوم شماره 4.

جعفری مقدم، سعید و فانی، علی اصغر. (1381)، طراحی نظام مدیریت مدرسه محور در ایران، دوره 6، شماره 3، پاییز 81.

احسانی، محمد؛ عظیم زاده، سید مرتضی؛ کردنائیج، اسد... و همکاران. (1394)، " بررسی ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینانه و ایجاد کسب و کارهای کوچک و متوسط ورزشی"، فصلنامه مدیریت ورزشی، شماره 24، صص 69

احمد پور داریانی، محمود (1385)، کارآفرینی در کسب و کار خانگی. تهران، محراب قلم.

- Ahmadpour Daryani, M., Davari, A., & Ramezanzpoor Nargesi, G. (2010). Encouraging business environment, prerequisite of entrepreneurship development in Iran. *Management Studies in Development & Evolution*, 17(61), 65-89 (in Persian)
- Bergenhengouwen, G. (1987). Hidden curriculum in the university. *Higher Education*, 16(5), 535e543. <http://doi.org/10.1007/BF00128420>. *Community College Review*, 24(4), 71e81. <http://doi.org/10.1177/009155219702400405.e796>. <http://doi.org/10.1080/13504622.2012.670207>.
- Buil, I.; Catalán, S.; Martínez, E. Engagement in business simulation games: A self-system model of motivational development. *Br. J. Educ. Technol.* 2020, 51, 297–311. [CrossRef]
- Bedwell, W.L.; Fiore, S.M.; Salas, E. Developing the future workforce: An approach for integrating interpersonal skills into the MBA classroom. *Acad. Manag. Learn. Educ.* 2014, 13, 171–186. [CrossRef]
- Colakoglu, N., Gözükar, I. (2016). A comparison study on personality traits based on the attitudes of university students toward entrepreneurship, *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 229, 133-140.
- Eklund-Leen, S. J., & Young, R. B. (1997). Attitudes of student organization members and nonmembers about campus and community involvement.
- Julio Cesar Borges*, Tamiris Capellaro Ferreira, Marcelo Silveira Borges deOliveira, Nayele Macini, Adriana Cristina Ferreira Caldana (2017) Hidden curriculum in student organizations: Learning practice, socialization and responsible management in a business school *The International Journal of Management Education* xxx (2017) 1e9 www.elsevier.com/locate/ijme
- Joia, L.A.; Lemos, B. Relevant factors for tacit knowledge transfer within organisations. *J. Knowl. Manag.* 2010, 14, 410–427. [CrossRef]
- Frieze, C., & Blum, L. (2002). Building an effective computer science student organization. *ACM SIGCSE Bulletin*, 34(2), 74. <http://doi.org/10.1145/543812>.
- Fitó-Bertran, À.; Hernández-Lara, A.B.; Serradell-López, E. Comparing student competences in a face-to-face and online business game. *Comput. Hum. Behav.* 2014, 30, 452–459. [CrossRef]

- Ghonoodi, A., & Salimi, L. (2011). The study of curriculum in Smart schools. *Procedia – social and behavioral science*, 28 (2011), 68-71
- Karabulut, A. T. (2016). Personality Traits on Entrepreneurial Intention. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 229, 12-21.
- Leitão, A., Cunha, P., Valente, F., Marques, P. (2013): Roadmap for business models definition in manufacturing companies. *Forty Sixth CIRP Conference on Manufacturing Systems*, 7: 383-388.
- Luthan, F. Stajkoric, A. & Ibrayera, E. (2000). Environmental and Psychological Challenges facing entrepreneurial development in transitional economies. *Journal of world Business*. Vol. 35, No (1), PP: 95-110.
- Lin, C. (2006). Culture shock and social Support: An investigation of a Chinese student organization on a US campus. *Journal of Intercultural Communication*
- Luthan, F. Stajkoric, A. & Ibrayera, E. (2000). Environmental and Psychological Challenges facing entrepreneurial development in transitional economies. *Journal of world Business*. Vol. 35, No (1), PP: 95-110.
- Lucaa, M.R., Cazana, A.M., Tomulescua, D. (2012). "To be or not to be an entrepreneur... ", *Procedia -Social and Behavioral Sciences*, 33: 173 – 177.
- Lucaa, M.R., Cazana, A.M., Tomulescua, D. (2013). "Entrepreneurial personality in higher education ", *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 84: 1045 – 1049
- Matute, J., Melero, I., (2016). Game-based learning: Using business simulators in the university classroom. *Universia Business Review*, 13 (3), 72-81.